

نمره گذاری

با وجودی که اصول و قواعد فن آموزش و پرورش امروز بوسیله درس و کتاب و مجله خاطر نشان کارکنان آموزشگاهها می باشد هنوز جمعی از آموزگاران مقصود اصلی از نمره گذاری را ندانسته یا اینکه در استعمال آن روش ستوده بکار نمیبرند چنانکه بسیاری از ایشان آنرا مانند وسیله برای برقراری انتظام کلاس و فرمان برداری شاگرد بکار میبرند با این نظر قلم آموزگار همچون شمشیر تیزی است که بالای سر شاگرد کشیده شده و هرگونه مخالفت در نظامات و مقررات آموزشگاه و دیر آمدگی شاگرد را در کلاس شایسته تنبیه و سیاست مخصوص ندانسته بلکه چاره ای که در دست دارد همان نمره گذاری درسهای او خواهد بود با اینکه خود میدانند ادامه کار و شایستگی رفتار و پیروی از مقررات مدرسه با موضوع درس و انجام کار بکلی متفاوت و متمایز است. چه بسا شاگرد هوشمند و با استعداد که در قسمت درس شاگرد اول بوده ولیکن نمره هائی که سزاوار آنست باو نمی دهند و علتی برای این عمل جز نارسا راحتی و جنب و جوش او در کلاس نبوده یا اینکه آموزگار از سلوک و رفتار او در کلاس و آموزشگاه خشنود نشده است و از طرفی چه بسا شاگرد کم هوش و کودن که بواسطه نظر بلندی و گذشت معلم نمرات خیلی خوب را در نتیجه خاموشی و بی سر و صدائی در کلاس و یا بعزت ایراد نگرفتن بآموزگار بدست می آورد بدیهی است نمره ای که بدین طریق داده شود مایه پیدایش کشمکش و عدم رضایت بین آموزگار و شاگرد شده بالاخره درد سر فراوانی برای آموزشگاه تولید میکند، کم کم دامنه این اختلاف توسعه پیدا نموده و اختلاف نظر آموزگاران را در باره فهم مفهوم نمره ها ایجاب می کند زیرا هر کدام نظریه خود را گرفته و آنرا پایه

و اساس قاعده ای قرار میدهند که مخالف با نظریه دیگران است .

آنچه از نمره گذاری فهمیده شده این است که میزان فهم نمره گذاری چیست ؟ و اطلاع شاگرد از روی نمرات او معلوم شود یا میزان کار بر او که شاگرد در يك موضوع معینی انجام داده تعیین کند ، چنانکه اگر شاگرد در جغرافیا نمره عالی گرفت دلیل خواهد بود که درس را یاد گرفته و یاد پرورش آموزگار نسبت باین موضوع پاسخ خوب داده است ، اما این تعریف برای نمره گذاری کافی نبوده و همه آموزگاران با آن موافقت ندارند ، زیرا خیلی از آنها تنها جواب خوب دادن شاگرد را مناط اعتبار ندانسته بلکه رعایت مقررات و حفظ نظامات و پاکیزگی کاغذ امتحان و حسن بیان او را در مد نظر دارند در صورتیکه برخی تندی کار و زودرسی او را با آخرین نتیجه در نظر میگیرند و در اینصورت نمره پست دلیل بر خوب جواب دادن او نیست .

بهر حال در اینجا چندین عامل وجود دارد که در اندیشه معلم هنگام نمره گذاری برای شاگرد مؤثر است از آن جمله است :

علاقه شاگرد بدرس - اندازه کار او در کلاس - زیرکی و هوش شاگرد - رفتار و شخصیت او - شایستگی وی در انجام کار - توانائی او در تصرف بمواد درسی - کوشش شاگرد در انجام تکالیف - حضور همیشگی او در کلاس .

لازم نیست که هر آموزگاری از تمام این عوامل نامبرده نمره گذاری در تحت متأثر شود بلکه تأثر مربوط بشخصیت معلم است چنانکه قاعده نیست ؟ گاهی بعضی از ایشان بعواملی که دیگری متوجه آن نشده

ملتفت میشوند ، مثلاً اگر ما ورقه امتحان جغرافی یکی از شاگردان کلاسهای ابتدائی را بگیریم و آنرا بچند معلم بدهیم که هر کدام بنوبت خود نمره ای که شایسته است بدهند خواهیم دید که بین نظریه آنان تفاوتی زیاد بوده و نمره هاییکه روی ورقه میگذارند با یکدیگر متفاوت است ، علتش آن است که هر يك از آموزگاران چنانکه گفته شد موقع نمره گذاری علل و موجبات خاصی را در نظر میگیرند .

شکی نیست که این موجبات با عللی که یکفر آموزگار دقیق دیگر در نظر

میگیرد متفاوت خواهد بود چنانکه گفته اند یکی از استادان تربیت امریکا در این باب آزمایش نموده و ورقه امتحان یکی از شاگردان را در موضوع حساب تحت نظر عده‌ای از آموزگاران که کمتر از چهل نفر نبوده اند گذاشته، هر يك از آنها بدون مشاوره و روبرو شدن با دیگری شخصاً نمره داده و تفاوتی فاحش در این بین از نمره گذاری ایشان دیده شد. چنانکه پست ترین نمره «۳۸» و بالاترین نمره «۹۲» بوده با وجودیکه اختلاف نظر بین آموزگاران در موضوع حساب بمراتب ساده تر از سایر موضوعات مانند جغرافیا و تاریخ است که هر يك پاسخهای اکشدار مختلفی را میپذیرد.

اگر بگوئیم که يك نفر آموزگار نمره های متفاوت در زمانهای مختلف به یکورقه میدهد اغراق نگفته ایم، مثلاً وقتی که ما ورقه امتحان تاریخ شاگردی را بآموزگاری برای تعیین نمره بدهیم بعید نیست با وجود سادگی بعد از مرور مدتی نمره دیگری بآن بدهد و هیچگونه احتیاج باقائه دلیل برای اثبات گفتار خود نداریم زیرا هر کس که اندک وقتی بکار آموزگاری اشتغال یافته این موضوع را بخوبی میفهمد از آنچه گفتیم معلوم گردید که کار نمره گذاری تحت اساس و قاعده نیست. نتیجه ای که اکنون بدان رسیدیم بسیاری از آموزگاران هم پیش از این بدان رسیده و اندیشه و تصمیم ایشان بر آن شده که مقیاسی غیر از این برای نمره گذاری اختیار کنند تا بدقت و انصاف نزدیکتر باشد زیرا انصاف نیست شاگردی که در یکدرس مثلاً نمره «۸۴» گرفته او را بر فیشش که نمره «۸۱» در همان درس گرفته برتری دهند در صورتیکه مقیاس نمره از قراری است که ملاحظه کردیم، بدین لحاظ آموزگاران طریقه دیگری را که بعدالت نزدیکتر است اندیشیده و آن نگذاشتن نمره برای شاگردان مخصوصاً در امتحانات نهائی است بلکه بجای نمره نتیجه قطعی را از رد یا قبول در موضوعی بایشان اطلاع میدهند.

در اینصورت مقصود از رد این است که شاگرد امتحان شده معلومات کافی و مطلوب را فرا نگرفته و عاجز است که با این معلومات بیشتر و عالیتری را در این موضوع فرا بگیرد و مراد از قبول آنستکه او معلوماتی را تحصیل نموده و چیزهایی

آموخته که بوسیله آن میتواند از درسهای عالی و دشوار تر بخوبی استفاده بنماید .
 باینکه این طریقه از عیبهای نمره گذاری روش قبل دور و بر کنار است معذک
 خالی از نواقص نیست و شاید که گاهی خطر و اشکالش زیاد تر باشد ، زیرا شاگردانی
 که در يك موضوع قبول شده اند شکی نیست همانطوریکه ایشان در میزان فهم
 و ادراك مطلب تفاوت و اختلاف دارند بهمین طریق هم در درجه قبول تفاوت آشکارائی
 خواهند داشت و در این مورد یکی موضوع را در نهایت درستی و با تمام تفصیل لازم
 جواب داده و دیگری نکات برجسته موضوع را در یافته و بطور سطحی پاسخ گفته
 است با وجود این ، شرط انصاف نیست که ما هر دو را پذیرفته بدانیم بدون اینکه
 یکی را بدیگری امتیاز بدهیم و روی همین زمینه است که قبولی ها را بدو قسمت
 تقسیم کرده : یکی را قبول عالی و دیگری قبولی و سایر دانشجویان که غیر آن دو
 باشند مردود شمرده اند ولی چیزی که هست بعضی از آموزگاران باین ترتیب
 هم اکتفا ننموده اند زیرا که در اینجاءدهای از شاگردان دیده میشوند که نه از دسته قبول
 شدگان عالی بوده و نه از قبولی ها هستند بلکه آنها مابین این دو طبقه قرار گرفته و
 بدین واسطه چنین اندیشیده اند که نتیجه تحصیل دانش آموزان را باین پنج قسمت
 تقسیم نمایند :

ا = عالی - ب = خوب - ج = میانه - د = قبولی - ه = مردود .

ولی چون با این ترتیب هم قضیه نمره گذاری حل نشده بلکه باعث پیچیدگی
 امر گردیده و بطریقه نخستین نزدیکتر شده لذا بعضی از آموزگاران هر قسمتی را به
 طبقه تقسیم کرده : مانند (ب+) ، (ب) ، (ب-) و شاگردی که (ب+) را میگیرد
 از اولین طبقه قسمت (ب) است و آنکه (ب-) را گرفت آخرین طبقه قسمت (ب)
 خواهد بود .

این تقسیم آخری خالی از فایده نیست زیرا شاگردی که (د-) را گرفته
 معلوم است که نزدیک برد شدن است و بدین جهت ناچار بکوشش خود افزوده و از
 ترس عقب افتادن خود را بکار و میدارد و آنکه (ج+) را گرفته خواهد فهمید
 که بطبقه (ب) خیلی نزدیک است و عقیده پیدا میکند که میتواند با اندک کوششی خود را

بدرجهٔ اعلی برساند و بدین لحاظ بکوشش خود میافزاید تا مقصود او انجام گیرد.

خوانندگان می‌بینند همان عیبی را که ما در روش نخستین از آن رهایی می‌جستیم در آخرین طریقه هم دچار آن شدیم زیرا چگونه آموزگار میتواند بشاگردی نمره (ب) و بدیگری نمره (ب+) در درسی مانند جغرافیا بدهد و حق این است که تشخیص ما بین دو ورقه امتحانی باین دقت و با این ترتیب نمره گذاری دچار اشکال میشود. گمان نمی‌رود آموزگاری پیدا شود و ادعا کند که این عمل را بطور صحیح و شایسته اجرا میتواند کرد و اگر پیدا شد ممکن نیست که با کمی و کوتاهی وقت و کار زیاد بتواند تشخیص ده‌ها و صدها اوراق امتحانی را داده و بطور صحت و قطع رسیدگی کند و وقتی که ما باین مشکلات و موانع برخوردیم اعتراف مینمائیم که باید روشی را بگیریم که خالی از این اشکال و عیوب باشد یا لا اقل یکی از روشهای نامبرده را با تدابیری که جلوگیری از خطرات آن ممکن باشد گرفته و بکار ببریم.

ما بین آموزشگاههای امریکا عده کمی پیرو طریقهٔ دوم بوده و اکثریت مخصوصاً دبستانها و آموزشگاههای ابتدائی پیرو روش نخستین میباشند و این همان روشی است که اکنون در دبستانها و دبیرستانها حتی در دانشکده‌ها و دانش سراها متداول و معمول است.

اما کاری که اخیراً بعضی از کشورها برای دوری و اجتناب از معایب نمره گذاری نموده اند این است که شورای معلمین آموزشگاه در آغاز سال تحصیلی تشکیل شده و پس از تبادل نظر و افکار با یکدیگر در موضوعاتی که آنها اساس نمره گذاری برای درس شاگردان قرار میدهند اتفاق نظر پیدا نموده مثلاً سرعت جواب - تند کاری شاگرد - دقت - پاکیزگی - خوش گفتاری او را مدرک نمره قرار میدهند.

آموزگاران بایستی که اهمیت این نکات را در امتحانات، از قبل گوشزد شاگردان نمایند.

بعضی از آموزشگاهها هم تنها بدین ترتیب اکتفا نکرده بلکه بهمهٔ معلمین می‌سپارند که بارها از شاگرد درس پرسیده و با دقت کاملی در جوابهای شاگردان

بنگردند زیرا که پرسش زیاد آموزگار وضعیت حقیقی و استعداد کار شاگرد را بخوبی باو شناسانیده و بد و خوب را در نظرش هویدا و آشکار میدارد.

در عین حال بهیچوجه جایز نیست که معلم بنمره درسهای گذشته اکتفا نموده و باوراق امتحانی شاگردان نظر ننماید یا پیاسنخهای ایشای خوب گوش ندادده و نمره پرسش دوم را مانند پرسش پیش بگذارد و سایر نمره ها بالتبع گذارده شود چه این کار شاگرد زرنگ را به تنبلی کشانیده و از همت شاگردان هم میکاهد.

از مجله المعلم الجديد بغداد - ترجمه ۰۱ سحاب

فرهنگ دیگران

آموزشگاه صحرائی

اقسام متعددی از آموزشگاه در سراسر جهان معروف و موجود است مانند آموزشگاه شهری - روستائی - شبانی و نظایر آنها. اخیراً يك قسم آموزشگاه تازه ای از طرف دولت عراق در صحرای عربستان تأسیس شده که در نوع خود شاید بیهمتا باشد. جاده هائی که از حیف و دمشق ببغداد میآید در محل «رتبه» از اراضی کشور عراق یکدیگر پیوسته میشود و چون اهمیت این راه روز افزون است گروهی از اعراب بدوی در نزدیک چاههای آب که از قدیم در این ناحیه برای آشامیدن کاروانیان کنده اند کرد آمده و در زیر چادر بهمان زندگانی صحرا نشینی باقی هستند.

دولت عراق برای کودکان صحرا نشین در زیر سیاه چادر آموزشگاهی تأسیس نموده و آموزگاری از بغداد بدانجا فرستاده است که در روز کودکان و در شب سالمندانرا خواندن و نوشتن عربی و مختصری انگلیسی میآموزد.